

یادداشت

۱۰فرض درباره اینکه چرا مسئولان مقصرند

فرض سوم، مسئولان می‌دانند که پست‌های به‌دست آمده کوتاه است، پس باید با قدرتمندان و صاحبان نفوذ، شرکت‌های بزرگ شبه‌دولتی، نگاهاهای اقتصادی و... همراه شوند و منابع ارزشمند را به اشکال مختلف در اختیار آنها قرار دهند ولو به ضرر جامعه، چون بعدها بتوانند هم‌عرض آن را دریافت کنند. آنها مقصرند چون منافع عمومی را فدای منافع شخصی و گروهی کرده و بعد آن را توجیه می‌کنند. فرض چهارم، مسئولان مقصر هستند، چون نمی‌دانند و نمی‌توانند، اما حاضر نیستند مسئولیت را واگذار کنند و استعفا بدهند. مقصرند نه به این خاطر که از نادانی و ناتوانی خویش ناگاہ هستند، بلکه پس از آگاهی نیز خود را به کوجه نا آشنا می‌زنند. این کوجه پر از مسئولان است. فرض پنجم، چیزی که برای مسئولان مهم است، شبکه روابط گسترده‌ای است که در زمان مسئولیت برایشان ایجاد می‌شود. این شبکه روابط، فرصت‌ها و منابع زیادی برای آنها ایجاد می‌کند. مسئولان مقصرند، چون به جای حل مسائل جامعه به دنبال شبکه روابط هستند. فرض ششم، مسئولان مقصرند، چون بیش از آنکه بشنوند، در حال سخنرانی هستند. جایی حضور نمی‌یابند مگر آنکه سخنرانی کنند و دیگران را از سخنان خویش بهره‌مند کنند. حوصله شنیدن ندارند؛ شنیدن نقدا و یافته‌های پژوهشی در حوزه کاری برایشان زجرآور است. فرض هفتم، برنامه عملیاتی برای حل مسائل ندارند یا نمی‌توانند از کارشناسان برای طراحی و تدوین برنامه عملیاتی مناسب، کارآمد و دارای غلایبت فنی، اقتصادی و اجتماعی کمک بگیرند. فرض هفتم، قانون و دستورالعمل‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شده که مسئول نمی‌تواند کاری از پیش ببرد و دستش برای حل مسائل بسته است. مقصر هستند، چون پیشنهادهای برای اصلاح قوانین و دستورالعمل‌ها نمی‌دهند یا اگر می‌دانند که دست‌شان بسته است، با دست‌های بسته به مسئولیت ادامه می‌دهند. فرض هشتم، مسئولان در چنبره نهادهای تودرتو، ناشفاف و غیرپاسخ‌گو گرفتارند و هر گامی که برمی‌دارند باید با آنها هماهنگ کنند و آنها نیز مانع ایجاد می‌کنند. مسئولان مقصرند، چون آن را برای جامعه بیان نمی‌کنند. فرض نهم، مسئولان تصور می‌کنند برای هدایت و کنترل جامعه آمده‌اند و نه برای زیست بهتر افراد جامعه، پس آنها در جایگاه متعالی‌تری هستند و افراد جامعه باید با مسئولان هماهنگ شوند و تابع اراده و تصمیم آنها باشند. فرض دهم، مسئولان مقصرند چون خود را غرق در روزمرگی‌های اداری کرده‌اند. آینده‌نگر نیستند و نمی‌دانند چگونه باید آینده‌نگری داشته باشند یا اینکه تصور می‌کنند آینده به ما چه ربطی دارد. ممکن است همه یا برخی از این فرض‌ها نادرست یا درست باشد. شما چه فکر می‌کنید؟

پرواز سبید یک هنرمند

این گفت‌وذن، یک هم‌صدایی غیرکلامی و دموکراتیک بود؛ هرکس در سکوت خودش بود، اما بخشی از یک آهنگ جمعی و پراخته از دل بود.

- **سبید به جای سیاه**: پوشش سبید بسیاری از حاضران، نماد امید و پاکی بود. این سبیدی، نه انکار غم بلکه تأکیدی بر تجلیل از زندگی و آثار ماندگار تقوایی بود.

- **جای خالی چهره‌هایی مانند سیدمحمود دعایی** که همواره در تشییع چهره‌های فرهنگی حاضر می‌شد و بر پیکر آنها نماز می‌خواند، به وضوح حس می‌شد. در این میدان، هیچ مقام حکومتی دیده نمی‌شد. پهنا و درازای خیابان را تنها و تنها «مردم» و هنرمندان پر کرده بودند.

«**خوانش یک رخداد**: این صحنه چنان با آنچه معمولاً در خیابان‌های ایران دیده می‌شود در تضاد بود که گویی تشییعی در جایی دیگر و بسر پایه عرف و هنجاری دیگر در جریان است. این گزاره‌ها، بی‌شک بیش از یک انتخاب شخصی برای یک بردود بودند؛ آنها را می‌توان نشانه‌های یک «تحول خاموش» دانست که در بطن جامعه جاری و ساری است. البته شبیه چنین تشییع جنازه‌ای چندی قبل در شهر بندر انزلی برای زندیاد بهمن صالح‌نیا، مربی نام‌آشنای ملوان نیز دیده شد یا برگزاری بعضی از مجالس ختم و یادبودها در تالارهای شهرهای تهران، اصفهان و رشت. این رویداد، نمایش «آنتی‌تز»‌هایی (پادگفتارهایی) بود که آرام و پیوسته، خود را تا سطح یک نمایش جمعی رسانده‌اند.

- **پرسش از ماهیت این درگونی**: نامی‌دان نام این پدیده چیست؟ استفاده می‌کنم از یادداشت دوست محترمی که اشاره می‌کند آیا این یک جریان فرهنگی خاموش است. آنجا نشانه‌ای از یک «رنسانس» فکری است؟ آیا یک «کشش اجتماعی» مسالمت‌آمیز و نمادین است؟ آیا شکلی از «فرم» و اصلاح‌خواهی از پایین جامعه است؟

من قضاوتی ندارم، نمی‌دانم دقیقاً چیست. اما آنچه آشکار است، این است که در این روز، حاضران از بارهای سنت‌های متداول گذشته عبور کردند. جامعه، با شتابی حیرت‌انگیز و فراتر از آنچه در وهم و خیال ما بگنجد، در حال پوست‌انداختن است و به سمت تعریف جدیدی از خود پیش می‌رود.

پایان نامعلوم. اما حرکت قطعی؛ مقصد این سفر کجاست؟

من نمی‌دانم، اما با اطمینان می‌دانم که می‌رود. و این حرکت، خود بزرگ‌ترین واقعیت زمانه ماست. بهتر نیست ششمان را باز کرد و واقعیت‌ها را به خوبی دید.

«**معاون اسبق وزارت میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری**

ایران دوستی، فضیلتی بزرگ و مسئولیتی ملی

...ماتسافانه زیر گام‌های ویرانگر و دستان شکننده و پرتاب زباله‌ها و به ناجی گذاشتن پسماندها و رفتارهای ناپسند و غیرمسئولانه ما روزگار تلخی را تجربه می‌کند. یادمان باشد که ما در همین طبیعت با به عرصه وجود گذاشته‌ایم، از آن تغذیه کرده و رشد و بالندگی و سلامت و عمر خود را وامدار آن هستیم، حداقل و نخستین گام در اثبات احترام و دوستی با آن و ایفای مسئولیت خطیر خود و در پاسخ به این زندگی‌بخشی، حفاظت و نگهدانی شایسته از مادری است که این روزها با تن رنجور و بیمار و مواجه هستیم. ایران‌دوستی به همان اندازه که یک فضیلت محسوب می‌شود و موجب افتخار هر ایرانی علاقه‌مند به میهن است، وظیفه‌ای ملی و مسئولیتی سترگ است که بدون ایفای آن در بوته راستی آزمایی نمره قبولی نمی‌گیرد. فارغ از مسئولیت مهم و بایسته نظام حکمرانی و مدیریتی کشور در حفاظت از این سرمایه و ثروت عظیم ملی که شاهد کم‌توجهی به آن هستیم، فرزندان ما باید در مدارس و خانواده‌ها درس مهربانی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و مسئولانه با زیستگاه و طبیعت جان‌بخش آن را فراگیرند. آموزش ببینند که حفاظت از منزلگاه و نفر جگاه و محیط زیست و پاکیزه نگه‌داشتن آن فصل مهمی از ایران‌دوستی و عشق به وطن و نشانه هم‌زیستی آنان است. اجرای قانون حفاظت از محیط زیست که در عرصه اجرا و عمل ضعف فراوانی دارد و مستلزم بازنگری و اصلاح است، باید به عاملی بازدارنده برای تخریب طبیعت از سوی نیکای ملت ایران تبدیل شود. پاک‌سازی محیط زیست و فضای عمومی از طرف فرزندان سززمین آفتاب (زاین) در پایان هر حضور و جمع‌آوری زباله‌ها و اجرای قوانین سخت‌گیرانه و مؤثر در بسیاری از کشورها و قراردادن جرائم سنگین برای متخلفان از قانون حفاظت از طبیعت و بهداشت محیط‌های عمومی در آموزش‌های فراگیر اجتماعی برای جلوگیری از آلوده‌سازی محیط زیست، الگوی مناسبی است که می‌تواند مبنای اقدام و عمل مسئولان و مردم قرار گیرد. ایران را دوست داریم و دوست‌داشتن واقعی را از مهربانی با طبیعت آغاز کنیم. رودخانه‌های خروشان، دریاچه‌های شگفت‌انگیز، جنگل‌های پوشیده از درختان کهن‌سال، غارهای خیره‌کننده، آبشارهای زیبا و چشم‌نواز، کویرهای منحصربه‌فرد، تالاب‌های متعدد، باغ‌های مجلل، دشت‌های مخملین و... جلوه‌های درخشانی از طبیعت کم‌نظیر ایران است. قدر آنها را بدانیم. به قول مولانا: در این خاک در این خاک در این مزرعه پاک/ به جز مهر به جز عشق دگر بدر نکاریم

ادامه از صفحه اول

شرق: اخراج هم‌زمان دو نفر از بلندپایه‌ترین فرماندهان ارتش چین و هفت مقام ارشد دیگر از حزب کمونیست، در آستانه نشست مهم پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (جلسه عمومی سالانه بیش از ۲۰۰ عضو ارشد حزب برای تصمیم‌گیری درباره سیاست‌ها و انتصابات کلیدی) نشانه‌ای از لرزش در درون ساختار قدرت پکن است. تصمیمی که با مهر تأیید شی جین‌پینگ اتخاذ شد، نه‌تنها ادامه کارزار مشهور او علیه فساد به‌شمار می‌رود، بلکه بار دیگر نشان داد رهبر چین در مسیر تمرکز بی سابقه قدرت گام برمی‌دارد.

وزارت دفاع چین اعلام کرد ژنرال «هه ویدونگ»، نایب‌رئیس کمیسیون مرکزی نظامی و یکی از نزدیک‌ترین همراهان شی، به همراه «میاو هوا»، رئیس سابق اداره سیاسی ارتش و هفت مقام ارشد دیگر از حزب اخراج شده‌اند. در بیانیه آمده است این افراد «به‌شدت اصول انضاطی حزب را نقض کرده و در جرائم مرتبط با مبالغ بسیار بالا» دست داشته‌اند. زبان رسمی پکن وقتی از «تخلفات شدید و آثار زیان‌بار» سخن می‌گوید، معمولاً به فساد مالی، سوءاستفاده از قدرت یا بی‌وفایی سیاسی اشاره دارد. ژنرال هه که فرماندهی منطقه شرقی ارتش آزادی‌بخش خلق را بر عهده داشت، از ماه مارس در انتظار عمومی دیده نشده بود. او از معدود افسرانی بود که تا سطح دفتر سیاسی حزب نیز ارتقا یافت و جایگاهش در ساختار نظامی و سیاسی چین بی‌سابقه بود. پرونده او نخستین مورد برکناری یک عضو فعال کمیسیون مرکزی نظامی از زمان انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶-۱۹۷۶) محسوب می‌شود. بیانیه وزارت دفاع در توضیح بیشتر گفتمان ماهیت این تخلفات (بسیار وخیم و تأثیر آن بر انضباط ارتش به‌شدت مخرب» بوده است. میائو هوا نیز که در ژوئن سال گذشته از سمتش برکنار و تحت بازجویی قرار گرفته بود، حالا رسماً از حزب کنار گذاشته شده است. او یکی از چهره‌های اصلی برنامه‌های «وفاداری سیاسی» در ارتش بود و از نزدیک‌ترین چهره‌ها به حلقه شخصی شی جین‌پینگ به حساب می‌آمد.

موج تازه در پاک‌سازی ارتش

به گفته رسانه‌های دولتی، این اقدام بخشی از ادامه کارزار «مبارزه با ببرها و مگس‌ها» است، عنوانی که شی جین‌پینگ در نخستین سال رهبری خود در ۲۰۱۲ برای برخورد با مقام‌های فاسد به کار برد. از آن زمان تاکنون بیش از چهار میلیون نفر از ۹۹ میلیون عضو حزب کمونیست تحت تحقیق یا تنبیه قرار گرفته‌اند؛ از کارکنان جزء تا وزیران و ژنرال‌ها.

رهبر چین در نشست اخیر کمیسیون انضباطی حزب تأکید کرد «فساد بزرگ‌ترین تهدید برای بقای حزب است» و خواستار «خودانقلابی» مداوم شد. او گفت باید کاردها «پاک‌سازی و نیروها تصفیه شوند» تا حزب «خلوص ایدئولوژیک خود» را حفظ کند. این عبارت‌ها یادآور لحن سیاسی دوران ماو است، هرچند امروز با واژگان بوروکراتیک و مدرن بیان می‌شود. در همین مسیر، سال گذشته «لی گونگ‌هوا»، مدیر سابق شرکت دولتی «چاینا

موج تازه تصفیه‌ها در ارتش چین؛ بزرگ‌ترین تحول نظامی دهه اخیر

پاکسازی حلقه نظامیان «شی»



یونی‌کوم»، به اتهام دریافت ۴۵ میلیون یوان رشوه به ۱۶ سال زندان محکوم شد. او حتی از بازگرداندن اموال نامشروع معاف نشد و دادگاه او را موظف کرد تمام مبلغ دریافتی را به دولت بازگرداند. چنین پرونده‌هایی نشان می‌دهد در کارزار ضدفساد شی جین‌پینگ هیچ‌کس حتی در بالاترین سطوح نظامی و امنیتی در امان نیست اگر وفاداری‌اش محل تردید باشد.

ژنرال‌هایی که ناپدید شدند

در فهرست تازه اخراجی‌ها، نام چهره‌هایی دیده می‌شود که ماه‌هاست از صحنه عمومی غایب‌اند. «هه هونگ‌جون»، مقام ارشد پیشین در اداره کار سیاسی ارتش، «وانگ شیوین» از مرکز فرماندهی عملیات مشترک کمیسیون مرکزی و فرمانده سابق منطقه شرقی ارتش، «لین شیان‌یانگ»، از جمله آنها هستند. همچنین دو کمیسار سیاسی نیروی زمینی و نیروی دریایی و نیز فرمانده سابق پلیس مسلح خلق، «وانگ چون‌پینگ»، در این فهرست قرار دارند. وانگ ماه گذشته از عضویت در مجلس ملی خلق کنار گذاشته شد؛ اقدامی که در عرف چین مقدمه اعلام رسمی اتهام یا محاکمه محسوب می‌شود.

به‌گفته «ژانگ شیائوگانگ»، سخنگوی وزارت دفاع، این تخلفات «از ماهیت بسیار خطرناک برخوردار است و به انسجام ارتش آسیب زده است». او پاک‌سازی را «دستاوردی مهم در مسیر خوداصلاحی حزب و ارتش» توصیف کرد. این بیانیه دقیقاً همان عبارتی را به کار برد که در دهه‌های گذشته برای توجیه تصفیه‌های سیاسی استفاده می‌شد.

فساد یا بی‌اعتمادی؟

در سطح بین‌المللی، تحلیلگران بر سر تفسیر این موج جدید اختلاف دارند. برخی مانند گوردون چانگ، تحلیلگر شناخته‌شده چینی‌تبار در آمریکا، در گفت‌وگو با نیوزمکس گفتند اخراج هزمان وفاداران شی نشانه آن است که او در کنترل ارتش آزادی‌بخش خلق دچار مشکل شده است. او تصریح کرد: «وقتی وفاداران تو برکنار می‌شوند، یعنی نشانه‌ای از شکاف در حلقه قدرت است. ممکن است شی دیگر نتواند به فرماندهانش اعتماد کند». به گفته چانگ، این بحران می‌تواند حتی بر روابط خارجی چین تأثیر بگذارد. او احتمال داد شی دیدار برنامه‌ریزی‌شده با دونالد ترامپ را لغو کند، زیرا «ممکن است نتواند چین را ترک

کند یا هنگام بازگشت با مقاومت روبه‌رو شود». چنین ارزیابی‌هایی هنوز از سوی پکن تأیید یا تکذیب نشده، اما گمانه‌زنی درباره سلامت و موقعیت سیاسی شی جین‌پینگ را افزایش داده است. در مقابل، گروهی از کارشناسان شرق آسیا می‌گویند این برکناری‌ها نه نشانه ضعف، بلکه بخشی از سازوکار عادی قدرت در نظام شی است. «جا ایان چونگ»، استاد دانشگاه ملی سنگاپور، به الجزیره گفت: «چنین تغییراتی حالا به‌قدری تکرار شده که دیگر غیرعادی نیست. این خود بخشی از روند حکومت‌داری شی است که با آن قدرتش را تثبیت می‌کند و کنترل حزب را یک‌دست‌تر می‌سازد».

پیامدهای داخلی و جهانی

زمان‌بندی این تصفیه‌ها تصادفی نیست. نشست کمیته مرکزی حزب قرار است تصمیم‌های کلیدی درباره ترکیب نهادهای حکومتی و نظامی بگیرد. منابع نزدیک به حزب در هنگ‌کنگ گفته‌اند احتمال دارد در همین نشست، جانشینان رسمی فرماندهان برکنار‌شده منصوب شوند. این تغییرات می‌تواند مسیر آینده ارتش آزادی‌بخش خلق را در سال‌های پیش‌رو تعیین کند.

در سطح خارجی، بازتاب این رویداد در رسانه‌های جهانی قابل توجه بود. الجزیره، نیوزویک و ساوث‌چاینامورنیک پست هر سه در گزارش‌های جداگانه نوشتند که این تصفیه بزرگ‌ترین تحول نظامی چین در دهه گذشته است. نشریه هنگ‌کنگی ساوث‌چاینامورنیک پست نوشت اخراج ژنرال هه ویدونگ، که از وفاداران دیرین شی بود، «ضربه‌ای سنگین به وجهه رهبری او در درون ارتش» تلقی می‌شود.

هم‌زمان، برخی منابع امنیتی در تایوان هشدار داده‌اند که این بحران درون‌حزبی ممکن است به سیاست خارجی تهاجمی‌تر چین منجر شود؛ زیرا رهبرانی که در موقعیت دفاعی قرار می‌گیرند، معمولاً تمایل دارند با نمایش قدرت بیرونی، شکاف‌های داخلی را بپوشانند.

در زبان رسمی حزب، تصفیه‌های سیاسی همواره با واژگان «اصلاح انضباط» و «بالایش درونی» توجیه می‌شود. روزنامه ارتش آزادی‌بخش خلق پس از اعلام اخراج‌ها نوشت: «پاک‌سازی عناصر منحرف، پیروزی بزرگی در خودانقلابی حزب است و ارتش را برای انجام مأموریت‌های تاریخی در دوران نوین آماده‌تر می‌سازد». این همان منطق تاریخی است که از ماو تا امروز پابرجا مانده؛ بحران وفاداری با تصفیه پاسخ داده می‌شود.

هم‌زمان، عنوان همسر سابقش نیز تغییر می‌کند: سارا فرگوسن، که از سال‌ها پیش عنوان «دوشس یورک» را حفظ کرده بود، بار دیگر تنها با نام اصلی خود شناخته خواهد شد. مسئله دیگر، اقامتگاه خانوادگی آنهاست؛ کاخ رویال لاج در ویندسور، ملکی که طبق گزارش‌ها اندرو با سرمایه‌ای شخصی –و به گفته منتقدان از منابعی مشکوک– اجاره کرده است. هنوز مشخص نیست آیا پس از این تغییرات، خاندان سلطنتی اجازه خواهد داد او در این اقامتگاه باقی بماند یا نه.

خاندان سلطنتی بریتانیا در ظاهر چهره‌ای آشتی‌جو دارد، اما وقتی اعتبار نهاد سلطنت در خطر باشد، با قاطعیتی عمل می‌کند که سیاست‌مداران را به حیرت می‌اندازد. منابع دربار گفته‌اند تصمیم اخیر، تنها زمانی اعلام شد که اطمینان حاصل شد افشاشی تازه‌ای در راه است؛ اقدامی پیش‌دستانه برای جلوگیری از لطمه‌ای بزرگ‌تر. در فضای سیاسی لندن نیز بسیاری معتقدند شاه چارلز نمی‌خواست سلطنت تازه‌اش زیر سایه رسوایی برادر آغاز شود.

پرنس اندرو بارها تأکید کرده که تمام اتهامات را رد می‌کند و هیچ «مدرک قطعی» علیه او وجود ندارد. اما واقعیت این است که در عرصه افکار عمومی، صرف حضور نامش در کنار پرونده اپستین برای نابودی حیثیتش کافی بود.

آخرین قطره در جام خشم عمومی

انتشار خبر تکارش خاطرات ویرجینیا جیفری، یکی از شاکیان پرونده اپستین که پیش‌تر علیه اندرو اقامه دعوی کرده بود، آخرین ضربه را زد. انتظار می‌رود کتاب او جزئیات تازه‌ای را ماجرا را افشا کند. کاخ بایکینگهام می‌دانتس تداوم حضور اندرو در ساختار سلطنت، در چنین شرایطی غیرقابل دفاع خواهد بود.

رسانه‌های انگلیسی نوشته‌اند که تصمیم به خلع عنوان‌ها، در واقع اقدامی پیشگیرانه برای کاستن از فشار اجتماعی بوده است. تحلیلگران می‌گویند برای خانواده‌ای که مشروعتیش به حفظ طوهر و احترام عمومی وابسته است، اندرو اکنون باری سیاسی و اخلاقی محسوب می‌شود.

اندرو که زمانی خلبان شجاع نیروی دریایی در جنگ فآلکلند و از محبوب‌ترین اعضای خانواده بود، اکنون در انزوا به سر می‌برد. منابع نزدیک به کاخ گفته‌اند شاه خواسته است «او از دید عموم محو شود». به نظر می‌رسد هدف، فراموشی تدریجی است؛ راهبردی که خانواده سلطنتی برای مهار رسوایی‌ها در گذشته نیز به کار گرفته است.

آگهی مناقصه

مدیریت پایش و توسعه منابع بنیاد تعاون فا.ا.البرز با شناسه ملی

۱۴۰۰۳۶۵۱۱۱۳ در نظر دارد نسبت به ساماندهی یدک کش ها و جرثقیل

پارکینگ های توقیفی طرف قرارداد اقدام نماید. لذا از دفاتر امدادخودروی

استان البرز دارای مجوز اتحادیه و دارای وب اپلیکیشن فعال دعوت به عمل

می آید تا ظرف ۱۰ روز از انتشار آگهی با مراجعه به آدرس کرج میدان استاندارد

ستاد فرماندهی انتظامی استان البرز- مدیریت پایش و توسعه منابع بنیاد

تعاون البرز و دریافت نسخه ای از قرارداد، مدت قرارداد و شرایط شرکت در

مناقصه؛ پیشنهاد قیمتی خود را (شامل درصدی از کل هزینه حمل و نگهداری

تا سقف ۱۰ درصد) در ساعت ۹:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۰ آبان ۱۴۰۴ در جلسه

حضوری واقع در آدرس فوق ارائه نماید. تلفن ۰۲۶۲۱۸۲۱۱۹۵

مدیریت پایش و توسعه منابع بنیاد تعاون در فا.ا.البرز

گزارش

صلح موقت دو همسایه

پس از هفته‌ها درگیری خونین در مناطق مرزی، افغانستان و پاکستان سرانجام با میانجیگری قطر و ترکیه به آتش‌بسی فوری دست یافتند؛ توافقی که هدف آن توقف خشونت‌ها، حفظ حاکمیت متقابل و ایجاد سازوکاری تازه برای گفت‌وگوهای امنیتی است. این آتش‌بس در حالی اعلام شد که ده‌ها نفر در دو سوی مرز کشته و صدها نفر زخمی شده‌اند و نگرانی از گسترش جنگ میان دو همسایه مسلمان به اوج رسیده بود.

بیانیه مشترک دو کشور در دوحه منتشر شد. دبیح‌الله مجاهد، سخنگوی دولت طالبان، اعلام کرد دو طرف توافق کرده‌اند: «هیچ اقدام خصمانه‌ای علیه یکدیگر انجام ندهند و از پشتیبانی گروه‌هایی که علیه پاکستان فعالیت می‌کنند، خودداری کنند». او تأکید کرد که دو کشور متعهد

شده‌اند نیروهای امنیتی، غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی را هدف قرار ندهند. خواجه آصف، وزیر دفاع پاکستان نیز در بیانیه‌ای جداگانه نوشت: «تروریسم فرامرز از خاک افغانستان فورا متوقف خواهد شد. هر دو کشور حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر را محترم خواهند شمرد». به گفته او، نشست بعدی برای بررسی جزئیات بیشتر در ۲۵ اکتبر در استانبول برگزار می‌شود.

درگیری‌ها میان دو کشور از اوایل ماه جاری شدت گرفت. ارتش پاکستان طالبان را متهم کرد که پناهگاه‌هایی در خاک خود برای شبه‌نظامیان «تحریک طالبان پاکستان» فراهم کرده است. طالبان این اتهامات را رد کرد و در مقابل گفت ارتش پاکستان برای توجیه ناکامی‌هایش به «روغ‌رانی» علیه افغانستان متوسل شده است. فقط در یک حمله انتحاری در روز جمعه، هفت سرباز پاکستانی کشته و ۱۳ نفر زخمی شدند.

فرمانده ارتش پاکستان، فیلدمارشل عاصم منیر، از طالبان خواست «گروه‌های نیابتی را مهار کند و اجازه ندهد خاک افغانستان به مرکز حملات علیه پاکستان تبدیل شود». از زمان بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، موجی از خشونت داخلی در پاکستان افزایش یافته و اسلام‌آباد، کابل را مسئول رشد دوباره شورش‌ها می‌دانند. طالبان در پاسخ می‌گویند هیچ گروهی از خاک افغانستان اجازه فعالیت علیه کشورهای دیگر ندارد و اتهامات اسلام‌آباد را تلاشی برای «تضعیف ثبات افغانستان» می‌خواند.

میانجیگری قطر و ترکیه در این بحران نقش تعیین‌کننده داشت. دو کشور طی هفته‌های گذشته جلسات فشرده‌ای در دوحه برگزار کردند تا از گسترش جنگ جلوگیری کنند. آنها پیشنهاد داده‌اند کمیته‌ای مشترک زیر نظارت میانجی‌ها تشکیل شود تا بر اجرای توافق و حل شکایات‌های دو طرف نظارت کند. سازمان ملل، آمریکا، اتحادیه اروپا و چین از این توافق استقبال کرده و آن را «گامی مهم برای ثبات منطقه» دانسته‌اند.

با این حال، تردیدهایی درباره دوام آتش‌بس وجود دارد. تاریخ روابط افغانستان و پاکستان مملو از توافقاتی شکننده و بی‌اعتمادی متقابل است. خط دیورند که مرز میان دو کشور را مشخص می‌کند، از قرن نوزدهم تاکنون محل مناقشه بوده و قبایل دو سوی مرز پیوندهای قومی و مذهبی محکمی دارند. کارشناسان هشدار می‌دهند اگر نظارت بین‌المللی کافی نباشد، خطر بازگشت خشونت‌ها باقی خواهد ماند. در حال حاضر، توافق دوحه فرصتی موقت برای آرامش در یکی از ناآرام‌ترین مرزهای جهان فراهم کرده است. اگر دو کشور بتوانند از وقفه برای گفت‌وگوی پایدار بهره ببرند، احتمال دارد زمینه سازوکاری منطقه‌ای برای امنیت مرزی فراهم شود، اما اگر اعتمادسازی شکل نگیرد، این آتش‌بس نیز مانند توافقاتی پیشین به تاریخ خواهد پیوست.

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک لويزان تهران هيات موضوع قانون تعيين تکليف وضعيت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تکليف وضعيت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۱۵۱۰۰۳۰۵۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لويزان تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد حسين چاهه ۰ فرزند رفغان بشماره شناسنامه ۹۰۹ که ملی ۰۷۹۱۲۰۱۱۴۷ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن بمساحت ۷۱.۹۱ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۵۵ فرعی از ۶۷۲۰ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک لويزان تهران خریداری از مالک رسمی آقای هایکاز چکناوریان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند ميتوانند از تاريخ انتشار اولين آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد ظرف مدت یک ماه از تاريخ تسليم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقديم نمايند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف ۱۴۲۹۵ اداره ثبت اسناد و املاک لويزان (تهران)	
--	--